

ولایت شاهی

منصور امان

سالگرد پیروزی قیام ضد سلطنتی هنگامی فرا می رسد که سلطنتی دیگر، بارگاه و درباربرافراشته و تخت طاووس خویش را بردوش گماشتگان، به سوی خلوت مشورتی مجلس گسیل داشته است. نزدیک به بیست و پنج سال پس از برچیده شدن پادشاهی مطلقه، اینک ولایت مطلقه، از باربنای مقوایی جمهوری می کاهد و آن را از تعهد به یک تشریفات نمایشی دیگر رها می گرداند. و این تنها تلاش نظام ولایت فقیه برای بازگشت دادن نظم پیشین به شمار نمی رود.

آماجهای دموکراتیک میلیونها تن که نظم شاهی را در زمستان ۵۷ رویداد، از همان نخستین گاه دست اندازی آیت الله خمینی و شرکا به قدرت یادآورده، به کناری رانده شد تا جای آنها را یاوه های ایدیولوژیک بگیرد. بافته هایی که کاربرد خونریز آنها بیش از هر امر دیگر، در عایق کردن "خمیه نظام" در برابر نفوذ مطالبات زنده ی جامعه خلاصه می شود.

ولی فقیه کنونی، به کار تکمیل آن چه برآمده که سلف او ناتمام گذاشت. مدال برگزاری نخستین همه پرسی قلابی و ضد دموکراتیک را خمینی به گردن آویخته است و روال گزینش و دست چین کردن نامزدهای انتخابات گوناگون را نیز همو به جریان انداخت. جانشین وی، تنها این رویه را ژرفش داده است. مطالبه آزادی و عدالت، شبحی است که رژیم جمهوری اسلامی را با هر چهره و آرایش، از بهمن ۵۷ تا اکنون تعقیب کرده است. گریبان ولایت و همدستان رنگ شده اش، از چنگ نیرومند آن خلاصی نخواهد یافت.

۲۲ بهمن ۱۳۸۲

قیام بهمن ۱۳۵۷: بازشناسی تاریخ

بقیه از صفحه ۸

ج - ما اکنون نیز شاهد قیامهای کوچک و یا شبه قیامها و شورشها در گوشه و کنار هستیم. نظیر خیزشهای شبانه خرداد ماه گذشته و یا خیزش کارگران در شهر بابک. به دلیل خصلت انفجاری جامعه ایران ارزیابی دقیق شکل آن مشکل است. امکان یک تغییر و تحول سریع نیز وجود دارد. به نظر من شرایط فعلی برای قیام از شرایط سال ۵۷ از بسیاری جهات برای نیروهای ترقیخواه مناسب تر است و من به این شرایط خوش بین تر هستم. با وجود آن که ما شاهد وجود تشکیلات منسجمی از نیروهای انقلابی و کمونیست در داخل به صورت محسوس نیستیم، اما در یک شرایط انقلابی همانند مقطعی که ما در روزهای ۱۹ تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ بودیم و توانستیم ستاد علنی ایجاد کنیم، امکان ظهور علنی نیروهای انقلابی و عمل کردن آنها وجود دارد و اگر تغییراتی چون مداخله نظامی خارجی در ایران رخ ندهد و اگر رژیم تن به عقب نشینی واقعی ندهد، می توان گفت که شرایط روز به روز بیشتر برای قیام مسلحانه و براندازی جمهوری اسلامی آماده می شود.

۲۳ بهمن ۱۳۸۲

× امید حبیبی نیا زندانی سیاسی بازمانده قتل عام سال ۶۷ روزنامه نگار و مدرس ارتباطات و مدیر پژوهشی پیشین در ایران بوده است. وی عضو هیئت اجرایی کمیته پیگیری وضعیت احمد باطنی نیز هست. کتاب خاطرات وی از هجدهم تیر ماه به زودی چاپ خواهد شد.

×× مهدی سامع، متولد ۱۳۲۴ در اصفهان و فارغ التحصیل دانشکده پلی تکنیک است. وی از سال ۱۳۴۵ به عضویت بخش دانشجویی گروه جزئی-ظرفی و سپس سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در می آید و پس از چند بار دستگیری و زندان، در سال ۱۳۴۹ در ارتباط با گروه فلسطین دستگیر و در دادگاه نظامی به پانزده سال زندان محکوم می شود×××. وی در آذرماه سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و بلافاصله از طرف سازمان چ.ف.خ. مسئول ایجاد بخش علنی سازمان شد. او مسئول صحنه گردهمایی ۱۹ بهمن و تظاهرات ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ بود. پس از قیام و پس از اختلاف نظر با کمیته مرکزی وقت پس از انشعاب به اقلیت پیوست و عضو تحریریه هفته نامه کار و مسئول کمیته کردستان این سازمان شد. به دنبال بروز اختلاف با کمیته مرکزی اقلیت وی با اعلام برنامه هویت، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (پیرو برنامه هویت) را سازمان داد. در حال حاضر وی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و نماینده این سازمان در شورای ملی مقاومت ایران است، او همچنین یکی از اعضای فوروم اجتماعی ایران-گروه تدارک است.

××× توضیح ایران نبرد: مهدی سامع در سال ۱۳۴۸ در ارتباط با گروه فلسطین دستگیر می شود و پس از ۶ ماه آزاد می شود. وی پس از ۳ ماه دوباره دستگیر و در ارتباط با فعالیتهایی که با سازمان داشت به ۱۵ سال محکوم می شود.

سیاست امپریالیسم

حفظ و گسترش

رژیمهای مذهبی است

بقیه از صفحه ۱۱

خوبی قرار نمی گیرد، بلکه با عقب نشینی سریع او و تن دادنش به محاکمه در دادگاه غیر قانونی روحانیت و در حالیکه حداقل دفاع را هم از خود نمی کند، نشان می دهد که آنچه براننده این جماعت نیست اصلاح طلبی به معنی عمل علیه نهادهای غیر قانونی است.

کارنامه هشت ساله دوم خردادیه پر است از این پشت کردن به مردم و پناه بردن به زیر عبای ولایت فقیه. درخواستهای جا و بیجای آنان از رهبر "به عنوان مقام ولایت برای پادرمیانی و حل و فصل مشکلات به وجود آمده (آخرین آن موضوع رد صلاحیت گسترده آنان توسط شورای نگهبان و درخواست از رهبر طی نامه دست جمعی)، پذیرش موقعیت ولایت فقیه در مقامی ورای قانون است و گلابه های آنان از اینکه بعضی از افراد اصلاح طلب نبوده و خود را در صفوف آنان جا زده اند، حرف مفتی بیش نیست. چرا که این رویه همگی آنان بوده و اصلاً چانه زنی در بالا معنی دیگری غیر از این ندارد. اینکه بخشی از این نیروها همچون مجاهدین انقلاب اسلامی در تئوری به اقتصاد دولتی معتقدند و شعار خصوصی سازی و کوچک کردن دولت از جانب بخش هایی دیگر با مبانی نظری این گروه مشکل دارد. جارو جنجالهای ابراهیم اصغر زاده دبیر کل حزب همبستگی، شورای شهر تهران را به روزی انداخت که نبودش را به خودش ترجیح دادند.

سخن را کوتاه کنیم، عدم انسجام دوم خرداد و بی برنامهگی و ندانم کاریشان، سردمداران در سایه را از آنان ناامید کرد و جمهوری اسلامی برای بقای خودش و ادامه حیات راهی به جز دور کردن

آنان از مراکز قدرت نداشت. این سرنوشت را آنان خود برای خویشتن رقم زدند و خودشان هم بیش از بقیه بدان آگاهند. اینکه چندین بار تا کنون تصمیم گرفتند تا از حاکمیت خارج شوند، نشان از این آگاهی دارد. اما اینگونه رانده شدنشان از قدرت را هرگز تصور نمی کردند و علت آن هم موقعیت جدید و بدست گرفتن ابتکار عمل توسط حریف در زد و بند پشت پرده و بی عرضه گی آنها از استفاده از موقعیت حکومتی شان در اتفاقات اخیر و ناتوانی در مدیریت بحران است.

امپریالیستها برای توافق با رژیم در ایران نیاز دارند که طرف حسابشان مشخص و قول و قرار فی مابین در یک دوگانگی گرفتار نباشد. این است که حرکت طرفداران تصفیه دوم خردادی ها، زیاد هم به مذاق آنان ناخوش نیست. هرچند که می پسندیدند دوم خردادیها اینگونه کنند. صحبت از دموکراسی و دفاع غارتگران رنج و کار مردد از حقوق بشر هیچ به واقعیت نزدیک نیست. چون امپریالیسم برای پیشبرد سیاستهای خود نیاز به حکومتهایی دارد که با برنامه آنان هماهنگ باشد و در این راستا خامنه ای و رفسنجانی برای حفظ موقعیت خود و ماندنشان در حاکمیت، نه تنها به این سیاستها گردن می گذارند، بلکه اگر نیاز باشد خود نیز بعنوان بخشی از گماشتگان آنها قدم در راه خواهند گذاشت. به امضای محدود سازی سلاحهای اتمی از این زاویه باید نگاه کرد. ارسال کمکهای انسانی به زلزله زدگان بم و ملغا کردن تحریم رژیم در کوتاه مدت و گفتگوهای علنی در ژنو و سنای آمریکا، نشان از گردن گذاری ولایت فقیه به این سیاستها دارد. نقش حسن روحانی در مذاکرات کاخ الیزه و سر در آوردن شاهزاده چارلز از تهران، همراهی بخشی از اتحادیه اروپا با این سیاست است.

به همین دلیل واکس زدن پوتین های ژنرالهای ربع قرن گذشته کاری است بیهوده و نیم خیز کردن آنان برای قدرت از طریق اربابان سابق به شیوه ۲۸ مرداد، خشت بر آب زدن است. رژیم جمهوری اسلامی از دید مردم ایران نامشروع است و باید بدست هم اینان سرنگون شود. تدارک یک قیام همگانی راه چاره رسیدن به دموکراسی در ایران است.